

اگر بیننده تلویزیون باشید، می‌دانید که مهران مدیری چند روزی است با «دورهمی» به تلویزیون برگشته است. دورهمی که حالا در قالب یک مسابقه اطلاعات عمومی روی آنتن می‌رود، پیش از این در ۵ فصل با محوریت گفت‌وگو با چهره‌ها و اجرای آیت‌های طنز پخش می‌شد، اما اگر تلویزیون بین هم نباشید، احتمالاً از حرف و حدیث‌هایی که راجع به دورهمی شنیده می‌شود، خبر دارید که چنین برنامه‌ای در حال پخش است. حرف‌هایی که این بار نه از دهان منتقدان تلویزیونی و مخاطب‌ها، بلکه از زبان خود سازندگان به‌گوش رسیده. مهران مدیری در اولین قسمت مسابقه اعتراف کرد که دورهمی کپی جزء به جزء یک برنامه خارجی است: «سعی کردیم خیلی خوب کپی کنیم.» و با این کار مخاطبش را غافل گیر کرد، نه از این حیث که تقلید در تلویزیون ما اتفاق نادری باشد که اتفاقاً سابقه مفصلی هم دارد، از آگهی‌های بازرگانی گرفته تا تاک شوها، مسابقه‌ها و حتی اتاق‌های خبر، بلکه از این لحاظ که ماعدت کرده بودیم هر بار که تلویزیون را روشن می‌کنیم، بگوییم «این که شبیه فلان برنامه خارجی» و بعد که این کشفمان به‌گوش عوامل برنامه رسید، آن‌ها خودشان را بزندان به آن راه یا کلامنکر قضیه شوند. البته اعتراف مدیری به کپی‌سازی خیلی هم جای تشویق و هورا ندارد. چون بیشتر از آنکه از روی احترام به مخاطب باشد، از سر آگاهی به این نکته است که امروز دیگر کپی‌سازی چراغ خاموش ممکن نیست و موج برنامه‌ساز خیلی زود باز می‌شود. به همین بهانه تعدادی از کپی‌سازی‌های سال‌های اخیر در تلویزیون را مرور می‌کنیم.

همه اقتباس‌های مهران خان!

سال ۹۴ که خبر بازگشت مهران مدیری به تلویزیون شنیده شد، طرفدارانش حسابی هیجان زده شدند و منتظر بودند تجربه

بازخوانی
کپی‌سازی‌های تلویزیون
به بهانه پخش مسابقه
«دورهمی» که همان ابتدا
مدیریتی به تقلیدی بودنش
اعتراف کرد

خوب کارهای طنز کم‌دین و کم‌دی ساز محبوبشان تکرار شود. صد اوسیمما هم که همه امیدش به شبکه تازه تأسیس نسیم بود تا از رخوت بیرون بیاید، روی محبوبیت و کاریزمای مدیری حساب باز کرده بود، اما بعد از پخش اولین قسمت‌های «دورهمی»، امیدها نقش بر آب شد. خیلی زود معلوم شد که این برنامه کپی نعل به نعل یک تاک شوی طنز هندی است به نام «Kapil Comedynightswith» که «کاپیل شارما» ی هنرپیشه و کم‌دین آن را اجرا می‌کند. در حالی که همه بخش‌های دورهمی از اجرای آیت‌های نمایشی گرفته تا شیوه تعامل مجری با مهمان‌ها و حتی دکور شبیه نمونه هندی بود، عوامل برنامه به این تقلید هیچ اشاره‌ای نکردند. تازه وقتی نقدها بالا گرفت، اعلام شد که دورهمی «اقتباسی» از یک برنامه خارجی است و تعریف تازه‌ای از واژه اقتباس به فرهنگ لغاتمان اضافه شد. اما این تقلید یواشکی تنها نقطه ضعف دورهمی نبود و کیفیت پایین کار، عامل مهم‌تری بود که توی ذوق مخاطب می‌زد. عوامل برنامه هم از بی‌رغبتی مخاطب بی‌خبر نبودند و با تغییر مدام تیم هنرپیشه‌ها و سناریو و اجرای آیت‌های نمایشی سعی می‌کردند کپی درجه چندمشان را (آن موقع کسی بهمان نگفته بود کپی درجه یک هم داریم) تا سطح یک برنامه جذاب تلویزیونی بالا بیاورند. در نهایت همه بخش‌های نمایشی حذف شد و تنها خود مدیری ماند تا در نقش استندآپ کم‌دین و مجری برنامه را نجات بدهد. به هر حال دورهمی با سؤال‌های مدیری در باره عاشق شدن یا نشدن سلبریتی‌ها و واکنش‌های تمسخرآمیزش به سطح پایین اطلاعات عمومی شرکت‌کنندگان برنامه، ۵ فصل دوام آورد و چند روز پیش با شکل و شمایل تازه و البته بی‌ربط به ورژن قبلی به تلویزیون برگشت. از قرار معلوم صد اوسیمما در برهوت برنامه‌سازی خلافت آن قدر روی برند «دورهمی» و «مدیریتی» حساب باز کرده است که با وجود تغییر ماهیت برنامه، با همان نام و البته همان روال آشنای کپی‌سازی، کار را پیش گرفته است؛ دورهمی جدید تقلیدی است از مسابقه آمریکایی «Mental Samurai».

کپی برابر اصل

الیه توانا

احسان، منهای اشک، به علاوه تقلید
احسان علیخانی بعد از ۱۱ سال اجرای «ماه عسل» که در زمان خودش برنامه پرتیراوی بود، سال ۱۳۹۷ در قاب تازه‌ای به نام «عصر جدید» ظاهر شد. همه چیز این برنامه جدید به نظر می‌رسید، یک مسابقه استعدادیابی تازه در تلویزیون که منحصر به زمینه خاصی نبود و یک احسان علیخانی که روبه دور بین بغض نمی‌کرد. اما «عصر جدید» چندان هم تازه و بدیع نبود، بلکه تقلیدی بود از برنامه آمریکایی «America's Got Talent». مسابقات استعدادیابی یا به قول فرنگی‌ها «تلنت شو» جزو برنامه‌های تلویزیونی محبوب در سراسر جهان هستند که همه انواع‌انواعشان با یک هدف مشترک و تقریباً در قالبی مشابه اجرا می‌شوند. اما «عصر جدید» تنها نمونه مشابه تلنت شوهای رایج نبود، بلکه واو به او و روال «AGT» را پیش گرفت و همه چیز از جمله تعداد داورها، فرایند حضور در مسابقه و حتی آپشن کارت طلایی را تقلید کرد، آن هم بدون اینکه کپی‌کاری اش را با مخاطب درمیان بگذارد. دست کم می‌توانست بعد از فاش شدن تقلیدی بودنش، به این توجیه که مشابه «AGT» در همه جای جهان تولید می‌شود، متوسل نشود. چون ما می‌دانیم که اگر در دیگر کشورها تقلیدی صورت می‌گیرد، با رعایت کپی‌رایت است. به علاوه آنکه در این تقلیدها خلایقیت و نوآوری تعطیل نمی‌شود و الگوبرداری فقط از روی فرم کار انجام می‌گیرد. به همین راحتی نیست که ایده یک تیم را که محصول مدت‌ها فکر و برنامه‌ریزی است، مفت و مجانی از آن خود کنی و حتی خودت را ملزم ندانی که بابتش به مخاطب توضیح بدهی. خلاصه آنکه «عصر جدید» با همه ضعف‌هایش در ترکیب داورها و نحوه داوری، مخاطبش را در تلویزیون بی‌رمق ما پیدا و راه را برای شوهای تقلیدی دیگر باز کرد. مثل «اعجوبه‌ها» در سال ۱۳۹۸ که تقلیدی بود از برنامه آمریکایی «littlebigshots».

رشید پور گردن کلفت!

پاییز ۱۳۹۹ رضا رشیدپور با «سیم آخر» به تلویزیون آمد؛ یک مسابقه اطلاعات عمومی با ظاهری متفاوت از برنامه‌های مشابه که پیش از آن پخش شده بود. از بعد مسابقه‌های جذاب و متنوع دهه‌های ۷۰ و ۸۰، مخاطب تلویزیون پای هیچ برنامه شاخص غیرتقلیدی دیگری ننشسته بود. همه چیز مشکوک به نظر می‌رسید تا اینکه یک روزنامه عربی از راز «سیم آخر» پرده برداشت و ادعا کرد این مسابقه تقلیدی است از برنامه اسرائیلی که در سرزمین‌های اشغالی پخش می‌شود به نام «boom» که با رعایت کپی‌رایت در چند کشور دیگر هم اجرا می‌شود، اما ایران بدون مجوز آن را کپی کرده است. با کمی جست‌وجو مشخص شد ادعای آن روزنامه بی‌اساس نبوده است و بمبی که در تلویزیون ایران منفجر می‌شود، با چاشنی خلایقیت برنامه‌سازان وطنی تغذیه نشده است. نکته جالب‌تر «سیم آخر» واکنش رشیدپور به انتقادها بود. او در یکی از قسمت‌های برنامه، با خنده و لحنی کنایه‌آمیز گفت: «در هفته گذشته مطالبی را چسباندند به برنامه ما. اطلاعاتشان ناقص بود، من الان تکمیل می‌کنم، همین چند ساعت پیش پرسش‌ها را هم از آن‌ور آوردند. سه چهار نفر با عینک آفتابی و کیف سامسونت سؤال‌ها را آوردند و گفتند واو به او و همین‌ها را می‌خوانی.» البته چنین واکنشی در صد اوسیمما که خودش را در قبال مردم مسئول و پاسخگو نمی‌داند، اصلاً عجیب نیست. مسابقه «برنده باش» را یادتان هست که با حواشی بسیارش جنجال برانگیز شد؟ همه چیز «برنده باش» از نحوه راهیابی شرکت‌کنندگان به برنامه که شباهت عجیبی به بخت‌آزمایی داشت و اشتباهات در سؤال‌ها و گزینه‌ها تا ادعای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی جامعه و شبیه آرای جعلی‌اش در جشنواره تلویزیونی جام جم مورد سؤال بود. اما در نهایت بدون ارائه پاسخی شفاف و قانع‌کننده، پخش برنامه متوقف شد. حاشیه‌های «برنده باش» آن قدر زیاد بود که تقلید محرز از مسابقه بریتانیایی «Who Wants to Be a Millionaire» چندان به چشم نیامد. اجرای ضعیف محمدرضا گلزار که تلویزیون گمان می‌کرد به کمک او می‌تواند جوان‌ها را پای تلویزیون نگه دارد، یکی از ضعف‌های فراوان این برنامه بود. اما به نظر نمی‌رسد صد اوسیمما قصد داشته باشد از ضعف‌ها و اشتباهاتش درس بگیرد. رسانه ملی همچنان کپی می‌سازد و در برابر انتقادها پاسخ می‌دهد که الگوبرداری در همه جای جهان رایج است، اما توضیحی ندارد که آیا این حجم از کپی‌سازی هم مرسوم و پذیرفتنی است؟ آیا مطرح و برنامه‌ساز خلاق و ایده‌پرداز نداریم یا این

